

## وکتیبه از میان رودان

۶۵۵

«برای تحقیق درباره تاریخ ایران باستان، با تمدن مصر باستان و با تمدن‌های کشورهای همجوار، به خصوص میان رودان<sup>۱</sup> که یکی از ثروتمندترین حوزه‌های فرهنگ آدمی بوده آشنا شوید و از منابع تاریخی‌اشان بهره‌مند شوید، چون بستر و زمینه علمی برای تحول و شکوفایی ایران در این نواحی قرار دارد.» این سخنان را استاد آشورشناسی دانشگاه هایدلبرگ (آلمان)<sup>۲</sup>، زنده‌یاد پرفسور کارل هاینز دلر (۱۹۲۷ - ۲۰۰۳) به من، دانشجوی بیست و یک ساله رشته خاورشناسی خطاب کرد. اما نهال این علاقه به تاریخ خاورمیانه و ایران باستان را پدرم به طور مستقیم و همایون صنعتی، برادرم، به طور غیرمستقیم در وجود من کاشتند.

پدرم عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی، تاجر و نویسنده رمان‌های تاریخی، مرا شب‌ها نزد خویش می‌خواند، تا بخش‌هایی از آثار تاریخی مورد علاقه‌اش را با صدای بلند برایش بخوانم که البته گاهی یا با مقاومت یا با غیبت عمدی من روبرو می‌شد. همیشه می‌گفت که دوست دارد فرزندانش در رشته ایران‌شناسی کار و پژوهش کنند. برادرم همایون صنعتی که در سال ۱۳۳۷ به عنوان مدیرعامل مؤسسه فرانکلین چاپ

۱. میان رودان امروزه شامل کشورهای عراق، سوریه، ترکیه و کویت می‌شود.

۲. آنچه در ( ) آمده افزوده مؤلف است.

کتاب‌های درسی افغانستان را به عهده گرفت، پس از باگیری و موفقیت در این راه، در متن و در تصویرگری کتاب‌های درسی ایران دگرگونی و تحول به وجود آورد، به‌ویژه در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای دوره دبستان، که دختر بچه ده ساله‌ای مانند من را شیفته تاریخ باستان ایران کرد. در کلاس پنجم کتاب درسی تاریخ را با تیتیر «تاریخ ایران، از آغاز تا اسلام»<sup>۱</sup> برای سال پنجم دبستان، تألیف دکتر پرویز خانلری، نقاشی از محمد زمان زمانی، پرویز کلانتری و غلامعلی مکتبی در اول سال تحصیلی به دستم دادند. روی جلد آن بنای تخریب‌نشده تخت جمشید به چشم می‌خورد که با ستون‌های برافراشته زیبا و پله‌هایی که بر دیواره آن نقوشی حجاری شده به مرغزاری رنگارنگ ختم می‌شد. قطع این کتاب کمی بزرگتر از DIN A4، در حدود رحلی بزرگ بود و به خاطر این قطع بزرگ و تصاویر رنگی زیبایش بین ما نوجوانان بسیار محبوب. کتاب با متن «پدران ما پیش از تاریخ، غارنشینان» به خط نستعلیق و تصاویر ساده و کودکانه شروع می‌شد و با «کشاورزان، ده‌نشینان، دوران پیش از تاریخ، تمدن‌های نخستین» ادامه پیدا می‌کرد. در مبحث بعدی مطالبی درباره «سومریان، اکدیان، ایلام یا انشان و بابل» به قدری ساده، پر محتوی و برای نوجوانان گیرا و گویا توضیح داده و زیبا ترسیم شده بودند که به خاطر دارم حتی در اوقات فراغت این کتاب را بارها و بارها می‌خواندم و با بابلیان و آشوری‌ها سوار بر عرابه به جنگ می‌رفتم. اما هنگامی که نوبت به مبحث «آمدن ایرانیان» می‌رسید شوق تماشا کردن تصاویر با رنگ آمیزی بسیار دلپذیر و لذت خواندن کتاب دوچندان می‌شد. «شاهنشاهی مادها»، نام‌های «دایاکو، فرورتیش، هوشخستر، ایشتوویگو» در گوش‌هایم آوای دلپذیری داشتند. «شاهنشاهی هخامنشی» و داستان کودکی کورش از زبان تاریخ‌نویسان یونانی را شاید هزاران بار خواندم. «چون کورش دوازده ساله شد در بازی با وزیرزادگان چنان فرمانروایی نشان داد که ایشان رنجیدند و شکایت به شاه بردند». در زیر این جملات تصویر کورش نوجوان، با جامه‌ای سپید بر تن، دیده می‌شد در حالی که با انگشت سبابه‌اش فرمان گوشمالی پسران وزیر را که پسرکی سرسپرده آنها را با زور به زمین انداخته می‌داد. یکی از آنان تعظیم‌کنان و دیگری ملتمسانه تقاضای بخشودگی می‌کرد. از اینجا دیگر این داستان را دوست نداشتم، چون با مغزم جور در نمی‌آمد که چرا یکباره کورش «تافته جدا بافته» می‌شود و بدون هیچ پیش‌درآمدی به دیگران زور می‌گوید.

در دوران شاهنشاهی کورش درس تاریخ پیچیده و سخت‌تر می‌شد اما پس از

۱. تاریخ ایران، از آغاز تا اسلام، برای سال پنجم دبستان، دکتر پرویز خانلری، انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۳۸.

پیروزی اش بر کروزوس، پادشاه لیدی، «با بزرگواری و جوانمردی بی مانندش سرمشق همه جهانیان می شود».

تسخیر کشورهای آسیای صغیر در کتاب «گرفتن بابل در بهار سال ۱۱۶۰ پیش از هجرت» را به دنبال داشت و کورش درین باره «برای مردم بابل و به زبان ایشان» گِل نوشته استوانه‌ای به زبان اکدی و خط میخی می نویسد.

از آن دوران آرزو می کردم که روزی بتوانم این گِل نوشته را بخوانم. گِل نوشته کورش دوم به شکل استوانه، که در پایه‌های شهر بابل (۱۸۷۹) کشف شده، در سنت دیرین میان رودان نگاشته و شکل داده شده بود. توسط این سنت، بخشی از «تاریخنگاری» که از هزاره سوم پ. م. در میان پادشاهان و فرمانروایان سومر، اکد، آشور و بابل رواج پیدا کرد و منعکس شد. پادشاهان برای به رسمیت بخشیدن به حکومتشان، هنگام بنا یا بازسازی معابد، کاخ‌ها، دروازه‌ها در پایه‌ها، گوشه‌های صحن در زیر سنگفرش یا در سوراخ‌هایی در دیوارها که از پیش جاسازی شده بودند پی نوشته‌هایی (سومری *temen*، اکدی *temennu*) از گِل به اشکال خشت، مخروط، استوانه یا منشور و یا از فلزهای قیمتی مانند برنز، طلا و نقره (گاهی اوقات همراه با پیکره‌های کوچک) دفن کرده یا در بناهای دیوارها به کار می بردند.

این پی نوشته‌ها طی مراسم مذهبی از طرف پادشاه و به وسیله کاهنان به خدایان تقدیم می شدند. آنها موظف بودند که به طور منظم (سومری *sà-du*، اکدی *sattukku* «قربانی به صورت منظم») برای خدایان قربانی کنند تا موجبات رضایت خاطرشان را فراهم آورده و شیاطین جهان زیرین را از خود و قلمرو فرمانروایشان دور نگه دارند. متن همه این پی نوشته‌ها طبق قواعد و اصول معین و در قالب فرم خاصی نگاشته می شد.

از شهر اوروک<sup>۱</sup> و در دوره بابل باستان، دو متن ساده از پی نوشته‌های گِلی مخروطی شکل، که اولی در معبد آنا<sup>۲</sup> و دومی در دیوار کاخ «سین کاشید»<sup>۳</sup> (پادشاه اوروک

1. Falkenstein, Adam, *Baghdader Mitteilungen*, Berlin 2, 1963. Sanati, Shirin, *Baghdader Mitteilungen*, Berlin 19-31, 1998-2000.

۲. آنا: سومری به معنی «خانه آسمان» معبد دو خدای «آن» (سومری به معنی آسمان) و ابانا با ایشتار (الاهه عشق) است.

۳. در سال‌های ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳، ۱۹۲۸ - ۱۹۳۶ و ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ - ۱۹۶۱ گروه باستان‌شناسان آلمانی در شهر اوروک (در تورات اروخ، ورهه امروزی، عراق) رویهمرفته ۲۲۳۲ لوحه و کتیبه با خط میخی از سه دوره خط و زبان (سومری بدوی، بابلی باستان و بابلی نو و اخیر) یافتند که بخشی از مجموعه در دانشگاه هایدلبرگ (آلمان) و بخش دیگر آن در موزه بغداد (عراق) نگهداری می شود.

سلطنت ۱۸۶۵ تا ۱۸۳۳ پ.م.) جاسازی شده بودند را ذکر می‌کنم، (کاووش‌های انستیتوی باستان‌شناسی آلمانی، در سال‌های ۱۹۶۱ - ۱۹۶۰).

متن نخست<sup>۱</sup>:

۱. سین کاشید

۲. مرد قدرتمند

۳. شاه اوروک

۴. شاه (قوم) امنانوم<sup>۲</sup>

۵. تأمین‌کنندهٔ مایحتاج (معبد) آنا

۶. کاخ (باشکوه) سلطنتی اش را ساخت.<sup>۳</sup>

از متن بالا ۱۴۱ نسخه (موزه‌های بریتانیا در لندن، بخش خاورمیانه موزه پرگامون در برلین، موزه بغداد در عراق، دانشگاه هایدلبرگ در آلمان و غیره) موجود است که در قسمت‌های مختلف معبد آنا به کار برده شده بودند.

متن دوم<sup>۴</sup>:

۱. سین کاشید

۲. مرد قدرتمند

۳. شاه اوروک

۴. سازنده (معبد) آنا

از این گِل‌نوشته که هم به صورت کتیبه و هم به شکل مخروط موجود است، نسخه (موزه‌های بریتانیا در لندن، بخش خاورمیانه موزه پرگامون در برلین، موزه بغداد در عراق) در دست است.

در کتیبه‌ای<sup>۵</sup> به زبان اکدی و خط میخی آشوری پادشاه اسرحدون (۶۸۱ - ۶۶۹ پ.م.) دربارهٔ بازسازی معبد خدای شهر و امپراتوری آشور، طی مراسم مذهبی و پس از نامبردن مصالح ساختمانی و هدایا می‌گوید:

1. Frayne, D. : The Royal Inscriptions of Mesopotamia, Early Periods, Volume 4 : The Old Babylonian Period (2003-1595 BC), No. 3, 444-447. Toronto 1990.

۲. اصل و نسب سین کاشید به عشایر امنان - یخزور برمی‌گردد. اما خود سین کاشید اسم اکدی (سامی) است.  
۳. برای تصویر گِل‌نوشته نک : <http://timpanogos.wordpress.com/2007/09/page/7/>

4. Frayne, D. : The Royal Inscriptions of Mesopotamia, Early Periods, Volume 4 : The Old Babylonian Period (2003-1595 BC), No. 1, 440-444. Toronto 1990.

5. Borger, R., Die Inschriften Asarhaddons, Koenig von Assyrien, Archiv fuer Orientforschung, B 9 <1956>, Graz.

«... پی معبد را با سنگ آهک، سنگ سخت کوهی، مانند ساختار کوه، محکم کردم، دستور دادم کتیبه و لوحه‌های یادبود به نامم درست کنند و آنها را (در پی) قرار دادم». گِل‌نوشته استوانه‌ای کورش نیز به همین صورت در پی‌های معبد مردوک، خدای بابل، جا داده شده بود.

اکثر متن این گِل‌نوشته‌ها در وهله اول یکنواخت، خشک و ابتدایی به نظر می‌رسد، و خواننده گمان نمی‌برد که منظور دیگری در پی آن نهفته باشد، به طور مثال کتیبه دیگری از اسرحدون از نظام موجود در گیتی سخن گفته می‌شود بدون تأکید مستقیم به آن. در این کتیبه، که بخشی از آن را نخست ذکر کردم، پادشاه اسرحدون (۶۸۱-۶۶۹ پ. م) پسر سنخریب (۷۴۵-۸۸۱ پ. م. کسی که شهر بابل را ویران کرد و پس از او پسرش اسرحدون برای رضایت و عنایت خدایان دستور بازسازی شهر ویران بابل را صادر کرد)، سخن از جشن پایان بازسازی ساختمان معبدی می‌رود که به افتخار خدای امپراتوری آشور برگزار می‌شود. در پذیرایی از مهمانان و خدایان درباره گوشت قربانی گفته می‌شود:

VI, 37-40, VII, 1<sup>۱</sup>

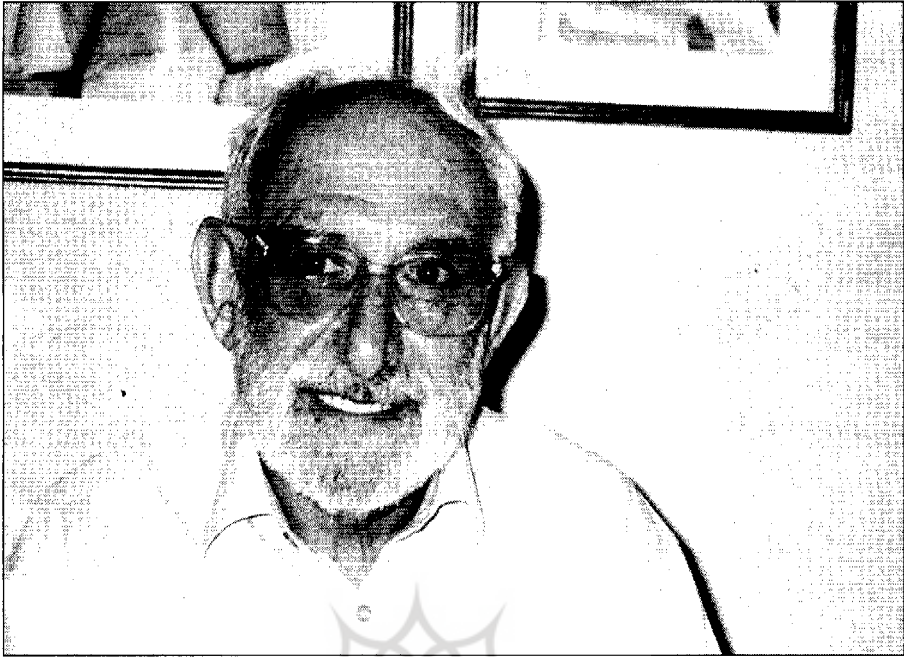
«من (اسرحدون) گاو پرورده سر بریدم، گوسفند مرغوب ذبح کردم، پرنده از آسمان و ماهی از اعماق آب سر از بدن جدا کردم، (به تعداد) بیشمار»<sup>۲</sup>  
 «این حیوانات (قربانی شده) نه تنها بازگوکننده تأمین پروتئین حیوانی برای خدا بلکه نمونه‌ای کامل از سه ناحیه گیتی در خاورباستان نیز هست که منشاشان از آن نواحی است: گوسفند و گاو نماد زمین، پرنده نماد آسمان و ماهی نماد اقیانوس که خشکی را در بر می‌گیرد و زمین روی آن شناور است. با عرضه این حیوانات قربانی شده به والاترین خدا، تغذیه او تأمین و رضایت و عنایت او جلب می‌شود و به این وسیله نیروی زندگی تمام گیتی (این سه ناحیه) در نظم عمودی خود: آسمان، زمین، اقیانوس از او نگهداری و او را حمل می‌کنند»<sup>۳</sup>

اما تنها فرمانروا، اسرحدون، می‌توانست به یاری خدایان این نظم را بهم زند. او

1. Borger, R., Die Inschriften Assarhaddons, Koenigs von Assyrien, Archiv fuer Orientforschung, B 9 <1956>, Graz.

2. Borger, R., Die Inschriften Assarhaddons, Koenigs von Assyrien, Archiv fuer Orientforschung, B 9 <1956>, Graz.

3. Maul, M. Stefan., Wiederstehende Welten, A W 29 <1998>, 567-571.



● همایون صنعتی‌زاده (عکس از علی دهباشی)

ساکنان مغلوب نواحی تسخیرشده را به این صورت ب مجازات می‌رساند:

VI, 20-21

«... دستور دادم اهالی (کنار) دریا به کوهستان و ساکنان کوهستان به کنار دریا بروند». اشتفان ماول تأکید می‌کند که پی‌نوشته‌هایی که در معابد میان رودان از مواد اولیه درست می‌شدند نیز نشان‌دهنده نواحی گیتی یا بهتر بگوییم حامل این سه ناحیه هستند. آشوربانیپال (۶۶۸ - ۶۳۱ پ.م.)، پادشاه امپراتوری آشور و پسر اسرحدون، در سال ۶۴۸ پ.م. پس از چهار سال محاصره بابل، به علت قحطی و گرسنگی در شهر، ایستادگی اهالی را درهم شکست، بابل را فتح و مردم را قتل‌عام کرد. اما به معبد مردوک در بابل هیچگونه صدمه‌ای نرساند. چون با حفظ معبد، از توهین به مقدسات و بی‌حرمتی جلوگیری شده بود. توسط این اقدام، آشوربانیپال مشروعیت سیاسی و به‌ویژه مذهبی خود را حفظ کرد.

در استوانه کورش<sup>۱</sup> در سطر ۴۳ درباره معبد مردوک در بابل می‌خوانیم:  
«آنجا، (در معبد مردوک) یک پی‌نوشته با نام آشوربانیپال به چشمم خورد».

1. Hanspeter Schaudig : Die Inschriften Nabonids von Babylon und Kyros' des Großen, samt den in ihrem Umfeld entstandenen Tendenzschriften. Ugarit-Verlag, Münster 2001.

طبق این گفتار کورش برای کسب مشروعیت و حماسه‌سازی در فرمانروایی بابل از همان ابزاری استفاده کرد که آشوریانیپال آشوری استفاده کرده بود، یعنی دستور داد که پی‌نوشته استوانه‌ای شکل را در پایه‌های همان معبد قرار دهند.

فرمانروایان میان‌رودان طی دوهزار و اندی سال پ. م. (از سارگون از اکد و گودا از لاگاش گرفته تا حمورابی پادشاه بابل باستان و اسرحدون و آشوریانیپال پادشاهان آشوری) همه در نگاشتن و نصب گِل‌نوشته و پی‌نوشته‌ها در پایه‌های معابد، کاخ‌ها و در دروازه‌ها تداوم قواعد و اصول فن بلاغت سیاسی را همواره برای کسب مشروعیت و حماسه‌سازی تاریخی خود رعایت می‌کردند.

این تداوم در بسیاری از زمینه‌های میان‌رودان وجود داشت که با ایرانیان دوران هخامنشی به مرحله نوبنی در تکامل تمدن رسید و در این فصل نوین از تاریخ باستان همایون صنعتی می‌کوشید با دسترسی به منابع، مدارک و اسناد عهد حقیق، به‌ویژه ترجمه و تحشیه آثار و مقالات مهم پژوهش‌های خاورشناسان غرب و مطالعات منابع خاورباستان و منابع ایرانی پیش از اسلام و ایران اسلامی به دستاوردهای نیاکان ما برسد. بهترین مثال در این مورد، پیشگفتار کتاب تاریخ علم در ایران و شرق باستان<sup>۱</sup> است که در آن تأکید می‌کند ایرانیان گاهشماری زرتشتی را (که در آن سال دقیقاً به ۳۶۵ روز تقسیم می‌شود) از گاهشماری مصر باستان اقتباس کرده‌اند. همان‌طور که با فان دروردن<sup>۲</sup>، دانشمند هلندی، هم‌نظر است و علم احکام زایچه‌ای<sup>۳</sup> را به ایرانیان نسبت می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. علم در ایران و شرق باستان، مجموعه مقالات، ترجمه و تحشیه همایون صنعتی‌زاده، نشر قطره، ۱۳۸۴.

۲. نک: پیشگفتار، پب ۹.

۳. نک: همانجا ۲۳۳ - ۲۲۴.